

تقلب در متن ۱+۵ منتشر شده

از سوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

کشورهای شکست خورده که ناچار به قبول تحمیلاتی بنام موافقتنامه میشوند، همواره تلاش دارند که به شکست مزبور مقبولیت و رعایت مصالح ویا منافع ملی بدهند. این کار آسان نیست چراکه، متن موافقتنامه ویا قراردادهائی که در اختیار مردم و رسانه ها قرار خواهد گرفت کلید تشخیص مصالح ملت ویا رعایت احوال سیاسی کشور است.

کشورهای شکست خورده، شیوه ای تقریباً مشترک دارند، و آن پنهان ساختن قرارداد و اگر مانند این سالها که انجام آن تقریباً غیرممکن است، مگر با توافق کشور فاتح، یعنی همان روشی که هیئت ایرانی در روز اول از کنفرانس خواست که مذاکرات محرمانه باشد ولی آمریکائی ها و انگلیسی ها آنرا رعایت نکردند.

روش دیگر دستکاری درواژه ها و جاسازی درجاهای مختلف ویا ترجمه نادرست ولی برای استتار مراتب شکست است. پس از آنکه مقامات آمریکائی متن موافقتنامه را منتشر کردند، جمهوری اسلامی هم متن انگلیسی موافقتنامه و ترجمه مورد نظر خودشان را از آن متن انتشار دادند و در ترجمه فارسی به مواردی متوسل شدند، تا زیرچتر تفاوت در ترجمه ها، تقلب و سوء نیت خود را پنهان سازند.

این نحوه تقلب در بیشتر از قراردادهای ایران در زمان قاجار باخارجیان داشته دیده میشود هم در کتمان کردن نسخه کامل و امضاشده آن و هم در ترجمه هائی که منتشر شده است.

بهمین دلیل است که در موافقتنامه ها و قراردادهای کشورهای خارج برای جلوگیری از سوء ترجمه و تعبیر قید میشود که در صورت بروز اختلاف در معانی کدام زبان ارجح است.

واما بعد

در متن فارسی موافقتنامه که از سوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی منتشر شده آمده:

«هدف از این مذاکرات رسیدن به یک راه حل جامع مورد توافق و بلند مدت است به نحوی که تضمین کند برنامه هسته ای ایران کاملاً صلح آمیز باقی خواهد ماند»

متن انگلیسی همان پاراگراف چنین است:

The goal for these negotiations is to reach a mutually-agreed long-term comprehensive solution that would ensure Iran's nuclear programme will be exclusively peaceful. Iran reaffirms that under no circumstances will Iran ever seek or develop any nuclear weapons.

شیطنت وزارت خارجه جمهوری اسلامی را باید در ترجمه **WILL BE** گرفت که آنرا به --خواهد ماند- ترجمه کرده در حالیکه در متن انگلیسی معنای <خواهد بود> را میدهد.

ممکن است بظاهر معنای **WILL BE** آنچنان مهم نیاید ولی بکل هدف از موافقتنامه را تغییر میدهد.

معنای <باقی خواهد ماند> در ترجمه فارسی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، واجد این برداشت مفهومی است که صلح آمیز بودن فعالیت هسته ای ایران مورد تائید ۱+۵ میباشد و ۱+۵ بموجب این موافقتنامه خواستار وضع وتضمینی است که همچنان صلح آمیز بودن فعالیت هسته ای ایران حفظ شود و تغییر نکند - و این چیزی است که جمهوری اسلامی از موافقتنامه مدعی است.

معنای (باقی خواهد بود) در متن انگلیسی رساگر این مفهوم است که ۱+۵ به صلح آمیز بودن فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی ایران اعتماد ندارد و بوسیله این موافقتنامه خواستار تضمین هائی است که برنامه هسته ای ایران کاملاً صلح آمیز خواهد بود.

تفاوت ماهوی وتعهد آوری که متوجه واژه **WILL BE** است کل و جزء توافقنامه را در هم میریزد و این کاری نیست که بتوان گفت یک مترجم به آن توجه نداشته است زیرا تمام بند بند موافقت نامه صحبت از توقف فعالیت اتمی ایران و نگرانی ۱+۵ از فعالیت اتمی ایران است.

اگر مترجم فقط همین پاراگراف دوسطری موافقت نامه را ترجمه کرده بود ممکن بود آنرا حمل بر بی احتیاطی کرد ولی کسی که تمام مواد موافقتنامه را خوانده وترجمه کرده نمیتواند جای درست معنای **WILL BE** را اشتباه کند.

اگر مقصود از **WILL BE** آن بود که جمهوری اسلامی میگوید دیگر به توافقنامه لزومی نبود، به تحریم ها نیازی نبود، پهن کردن سفره جنگ وتهدید ضرورتی نداشت، ممانعت از بازرسی تاسیسات اتمی لازم نبود؛ اینها همه قرآنی است که معنای **WILL BE =** خواهد بود، ومتوجه آینده وبراساس موافقت نامه وبرای جلوگیری از اتمی شدن جمهوری اسلامی است.^۱

سابقه عمل تقلب نماینده جمهوری اسلامی

فراموش شدنی نیست که آقای عراقچی در مصاحبه ای گفت: <هیئت ایرانی با هوشیاری وزیرکی توانست واژه <آدرس> پرداختن> را در قطعنامه وارد کند.

سابقه بالا نشان میدهد که جمهوری اسلامی از بدو مذاکرات در صدد فرصت برای تقلب در موافقتنامه بوده ولی حد جرات وزیرکی او در تنظیم موافقت نامه همان گذاردن واژه <آدرس> بوده و در مقام ارایه موافقتنامه به ایرانیان، حد تقلب را در ترجمه واژه **WILL BE** رسانده است که مصداق <دزد ناشی به کاهدان میزند> است.

^۱ - چون در سرتاسر توافق نامه همه جا به واژه «ایران» استناد شده است. این توافق نامه میتواند بصورت ادعایی غیرقابل تغییر از سوی جامعه جهانی و به ویژه آمریکا پس از سرنگونی رژیم اسلامی به صورت تعهد ابدی به گردن ایران سنگینی بکند. ح-ک

حقیقت این است که تیم آمریکائی ۵+۱ ده ها واژه های دو پهلو و ابهام آور و نامحدود و یکطرفه درموافقت نامه گنجانیده اند که گلوی تنفس ایران را کاملاً در دست گرفته است.

آمریکائی ها از چنین واژه هائی در مورد مذاکرات هسته ای با ایران هم قبلاً استفاده کرده اند، چنانکه در مذاکرات هسته ای با ایران (مشهور به مذاکرات سعد آباد) با استفاده از واژه <اعتماد> درموافقت نامه مزبور استفاده کردند و دست آخر وقتی جمهوری اسلامی به درخواست های آنان عمل کرد آمریکائی ها گفتند اعتماد ما کامل نشده است.

حال این هنرنمایی های آمریکائی ها درموافقت نامه ژنو نتیجه غفلت تیم ایرانی است و یاناچاری از تسلیم و دریافت موافقت امان نامه، بحث دیگری است که بنده به ماهیت تسلیم نامه و امان نامه نظر مستند دارم.

شیطنت بسیار عظیم

در تحریر تجزیه تحلیلی حقوقی موافقتنامه بتاريخ ۱۳/۰۲/۲۰۱۲ مواردی از شیطنت ۵+۱ ارایه شد و اکنون به مورد دیگری که بسیار قابل توجه است میرسیم.

معلوم قضیه این است که موافقتنامه ژنو باید بر اساس اصل ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب مجلس برسد و از طرفی معلوم دیگری هم وجود دارد که ممکن است افرادی در مجلس اسلامی به دلایلی با موافقت نامه مزبور مخالف باشند چراکه آمریکائی ها خوب میدانند که این توافقنامه یکطرفه و از اسباب اسارت ایران و ملت است و چیزی نیست که بتوان آنرا پنهان ساخت.

آمریکائی ها برای رفع این نگرانی صراحتی را در توافقنامه پیاده و به امضای نمایندگان ایران رسانده اند که میتوان نگرانی آنها را از تصمیم احتمالی مجلس به رد موافقت نامه مرتفع سازد. مقصود آنجاست که موافقت نامه میگوید:

<به مدت ۶ ماه، اگر ایران به تعهداتش تحت این توافق عمل کند، تاجائی که تحت سیستم های سیاسی شان امکان پذیر باشد تحریم های جدیدی را اعمال نکنند (مقصود ۵+۱ است).>

در تحریر تجزیه تحلیلی حقوقی، این سوال مطرح شد که عبارت <تاجائی که تحت سیستم های سیاسی جمهوری اسلامی امکان پذیر باشد> یعنی چه و این ابهام چگونه قابل تفسیر است؟

اکنون اجازه میخواید به برداشت و مقاصد گروه ۵+۱ از تصریح مزبور در موافقتنامه نزدیک شویم سیستم حقوق سیاسی هرکشوری برخاسته از مقررات قانون اساسی آن کشور است، که آن قانون بر اساس حاکمیت مردم مبنای نظام و سیستم سیاسی کشور شده است.

ولی نظام سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی در قالب تعریف بالا قرار ندارد و بنابراین اصل دوم جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان.

در تفسیر و توضیح اصل دوم در ردیف ۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی «امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی و نیز اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرائط است»، جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه مصلحت که تشخیص مصلحت با ولی فقیه است و جمهوری اسلامی آنرا بر عهده کسانی که منتخب ولی فقیه است نهاده است.

پسوند «اسلامی» در نام جمهوری اسلامی گویای آن است که نظام سیاسی ایران مبتنی بر فلسفه اسلامی و مذهب تشیع که از شاخه های منشعب از اسلام است میباشد.

از آنجا که حکومت ایران حکومتی است مبتنی بر فلسفه تشیع که حاکمیت و قدرت مردم را درید مراجع تقلید و در نهایت ولی فقیه (خامنه ای) میداند لذا این شیوه و سیره متکی به حقوق تشیع، خود یک نظام و سیستم است که اعتبار آن به مراتب از اعتبار قانون اساسی در جمهوری اسلامی بیشتر است (شورای نظارت در قانون اساسی جمهوری اسلامی) چنانکه عملاً هم خواستهای خامنه ای تحت عنوان ولی فقیه حرف آخر است و نمونه مسلط آن همین حرف آخر او درباره مسائل هسته ای ایران است که با آنکه دخالت در موضوع هسته ای خارج از حق قانونی (سیستم حقوق سیاسی) اوست و حق مزبور در حیطه اقتدار قانونی رئیس جمهور است ولی نظام ولی فقیه و یا نظم سیاسی مذهبی جایگزین سیستم حقوق سیاسی جمهوری اسلامی شده است.

آمریکایی ها برای خلاصی از احتمال کلنجار مجلس با موافقت نامه، با گنجائیدن تصریح مزبور خواسته اند خود را از قید سیستم حقوقی جمهوری مجلس که در قانون اساسی مقید شده است رها ساخته و موافقت نامه با امضای رئیس جمهوری و وزیر خارجه بی نیاز از رجوع به مجلس باشد و چون خامنه ای اقدامات نمایندگان جمهوری اسلامی را در مذاکرات ژنو تأیید و تمجید کرده همان را بفال نیک گرفته و از مجلس بی نیاز شوند.

مجلس در مقابل عمل انجام شده

نکته ظریفی که در این میان مطرح میشود این است، وقتی موافقتنامه بدون تصویب مجلس، مراحل اجرایی اش طی شد و از باب مثال آب سنگین اراک تعطیل و غنی سازی متوقف و سایر تعهدات جمهوری اسلامی انجام گردید مجلس در مقابل عمل انجام شده قرار خواهد گرفت چاره ای جز تصویب موافقتنامه ندارد. به همین دلیل است که قانون اساسی جمهوری اسلامی گفته که موافقتنامه ها باید بعد از تصویب مجلس به امضای رئیس جمهور برسد یعنی قبل از تصویب مجلس نباید وارد مراحل اجرایی بشود.

کلاه بزرگ دیگر

بزرگترین کلاهی که بموجب موافقتنامه تحمیل به جمهوری اسلامی شده آنجاست که حتی یکبار به غیر قانونی بودن تحریم های خودسرانه آمریکا اشاره ای در موافقتنامه نشده است و موافقتنامه طوری تنظیم شده که نشانگر رضایت و مقبولیت جمهوری اسلامی از تحریم های خودسرانه آمریکاست و این

سکوت و متقابلاً تنفیذ در موافقتنامه از عجایب است. جمهوری اسلامی که نسبت به تحریم های شورای امنیت معترض و آنهارا غیرقانونی میدانست چگونه دائره تمکین و رضایت خورا نسبت به تمام تحریم ها اعم از شورائی و تحریم های خودسرانه آمریکا اعلام داشته است؟

یک کلاه دیگر

در همان فراز مورد بحث این تحریر (بمدت ۶ ماه اگر ایران به تعهداتش تحت این توافق عمل کند تحریم های جدیدی اعمال نکند) کلاه بزرگ را ملاحظه کنید. مفهوم این بند این است که تحریم های موجود علیه جمهوری اسلامی بمدت ۶ ماه کماکان باقی خواهد ماند و آمریکا تحریم جدیدی را تحمیل ایران نخواهد کرد و در کلامی دیگر آمریکا حق دارد که تحریم های فعلی را همانطور که در موافقت نامه آمده سفت و سخت ادامه بدهد.

و باز در کلامی دیگر، پس از آنکه جمهوری اسلامی به تمام تعهدات معلوم و نامعلوم تن داد، همچنان تحریم ها روی همان پاشنه سابق خواهد گشت.

فراموش نکنید که انجام درست و صادقانه تعهدات جمهوری اسلامی، بتشخیص ۱+۵ است نه مقام ثالثی یعنی مدعی علیه و قاضی یک نفر آنهاست.

برای نشان دادن نابهنگامی و غیرعادی بودن چنین موافقتی بهتر است نمونه مرسوم آورده شود؛ در قراردادهای مقاطعه کاری شرکت ها با دولت، به موازات انجام کار از سوی مقاطعه کار، کار انجام شده سیتواسیون میشود و وجه آن پس از کسر درصدی بعنوان تضمین به مقاطعه کار پرداخت میشود و اگر اختلافی هم باشد آن اختلاف مانع ادامه کار و یا پرداخت طلب مقاطعه کار نمیشود زیرا در مقابل انجام هر تعهدی، متعهد له موظف به پرداخت عوض است و این عوض متوجه عین است نه رضایت متعهد له. رضایت متوجه کار است و تشخیص آن با کارشناس و قاضی است نه طرف تعهد.

موافقتنامه این اصل کلی حقوقی که عملاً مورد تائید و اجراست را نادیده گرفته و در مقابل هریک از تعهداتی که ایران بر عهده دارد و آنرا اجرا کند هیچ الزامی برای آزاد کردن پاره هایی از تحریم منظور نشده و اگر در پایان ۶ ماه، ۱+۵ عدم رضایت و صادقانه نبودن رفتار جمهوری اسلامی را عنوان کند و همچنان تحریم های سابقه را دنبال نماید وزیر خارجه جمهوری اسلامی جز کمردرد ظاهری کاری از دستش بر نخواهد آمد و یا اینکه شکایت از آمریکا را به مادر بیمارش برساند.

شمشیر داموکلس

تشبیهی که میتواند با موقعیت موافقت نامه ۱+۵ مشابهت نزدیک داشته باشد همان شمشیر معروف داموکلس است.



داستان شمشیر داموکس معرّف موقعیتی بسیار سختی است که کسی زیر شمشیری برنده که به یک تارموی آسیبی از بالای سرش آویزان است نشسته و هر آن احتمال قطع شدن آن بند نازک است که مرگ او را مسلم کند.

جمهوری اسلامی در رابطه با موافقتنامه و تصریحات و تعهدات و بازبودن دست آمریکا و سیطره آن کشور بر جمهوری اسلامی بدلیل موافقت و تسلیم و امضای نمایندگان جمهوری اسلامی همان موقعیت آن انسان بیچاره و اسیری را دارد که زیر آن شمشیر داموکس نشسته است و آمریکا با تهدید تحریم های تازه و یا شدت دادن به همان تحریم های سابق خطر فرو افتادن شمشیر را بفرق جمهوری اسلامی نزدیک میکند.

جمهوری اسلامی در این موافقتنامه در موقعیتی قرار گرفته که هیچ راه فرار ندارد. بزند زیر موافقتنامه گرفتار تحریم های بسیار سختی خواهد شد که دمارش در خواهد آمد، سازش کند و تسلیم باشد باز هم سبب سبقت بهانه آمریکا نمیشود و با استفاده از واژه های عدم اعتماد و درک، رضایت و موافقت عام و کلی و کن جمهوری اسلامی نیست و دامنه تقاضاها ابدًا به موافقتنامه محصور نخواهد شد، نه تنها به تجزیه کشور که رضایت نسبت به آنرا پیشاپیش گرفته اند و نه تنها مصونیت قضائی که ادعای جا افتاده آنهاست (بمناسب قوانین عقب افتاده قضائی جمهوری اسلامی) بلکه حتی آزادی ورود آمریکائی ها به خانه های مردم و آموزش برخی کارهای خاص را هم خواهند خواست مگر در ابتدای موافقت نامه آمریکا و افغانستان در سالهای نخست، کسی فکر میکرد که توقعات آمریکائی ها به رختخواب خانواده های افغان هم کشیده خواهد شد مگر کسی فکر میکرد که آمریکا قصد تجزیه افغانستان را دارد، آمریکائی ها چیزهایی را به ایران تحمیل خواهند کرد که محال است بتوان تصورش را هم کرد.

آیا مجلس به موافقت نامه رای آری خواهد داد

پاسخ اری است به دلایل زیر:

- ۱- نظام حکومتی ایران نظام پارلمانی دموکراتیکی نیست، نظام مصلحتی و تشیع است در نظام مصلحتی و حاکمیت تشیع، مصلحت جامعه و کشور با ولی فقیه است نه بانمایندگان مردم.
- ۲- نمایندگان مجلس جزئی از نظام مصلحتی ولی فقیه اند و بوسیله رئیس مجلس از نظرات ولی فقیه مطلع و طبق آن عمل میکنند و این حقیقت را بارها برخی از همان نمایندگان مجلس گفته اند که مصلحت جامعه با ولی فقیه است و ما نمایندگان مجلس مقید و ملتزم به حمایت و رعایت آن هستیم.
- ۳- دولت آمریکا سخت بدنبال اجرای موافقت نامه است ایادی آن کشور در ایران و همچنین در خارج از کشور موقعیت برجسته ای یافته اند و چنانکه با انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ سربران

آمریکا و اسرائیل که در انتخابات سال ۸۸ شکست خورده بودند به مقاماتی رسیده اند **و ایرانیان خارج از کشور که علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکردند به حمایت از روحانی برخاسته اند.**

ریخت و پاشهائی که آمریکائیها عادت دارند در این قبیل موارد میکنند عامل دیگری است که نمیتوان از نقش بن غافل ماند. نمونه اش را در لوی جرگه افغان دیدیم که پیرمرد ریش سفید رئیس لوی جرگه چه سینه ای برای امضای قرارداد امنیت بخوانید قرارداد فروش ناموس مردم و استقلال کشور میزد و حکم میکرد که کرزای باید تا قبل از سال آن قرارداد را امضا کند یعنی همان چیزی که آمریکا اصرار کرد. آیا این رابطه باوری آن پیرمرد مسلمان با خواست آمریکا ناشی از حکم اسلام است و یا دلارهای آمریکا؟

۴- ندانمکاری مسئولین جمهوری اسلامی و عربده کشی توخالی آنها موقعیتی را بوجود آورده که چاره ای جز تسلیم و امان خواستن ندارند گرفتاری مردم ایران یک روزه نیست که بایک توافقنامه هم پایان یابد.

وزیر خارجه ایران که معنای تحمیل را نمیداند

آقای جواد ظریف پس از تحریم شرکتهائی از طرف آمریکا در رابطه با ایران گفت: حمن با وزیر خارجه آمریکا تلفنی صحبت کردم و بهتر است که صحبتها سری بماند. (باگرگ دنبه میخوره، باچوپان گریه میکنه)، ولی یک نکته رامیتوانم بگویم که ماباید به این درک متقابل برسیم که چیزی رابه دیگری تحمیل نکنیم

بیچاره ظریف با این تحمیلات سنگین در توافقنامه هنوز نمیداند که تحمیل! چیست.

درخواست توجه از خوانندگان

از خوانندگان محترم تحریرات در رابطه با موافقتنامه خواهش دارم توجه داشته باشند که تجزیه تحلیل حقوقی در مرز قانون و حقوق محدود است، و به میدان اعتقاد مذهبی و یا اعتقادات سیاسی و یا جانبداری و یا مخالفت با موضوع ربطی پیدا نمیکند.